

جایگاه بازی نمایشی در ادبیات ایران

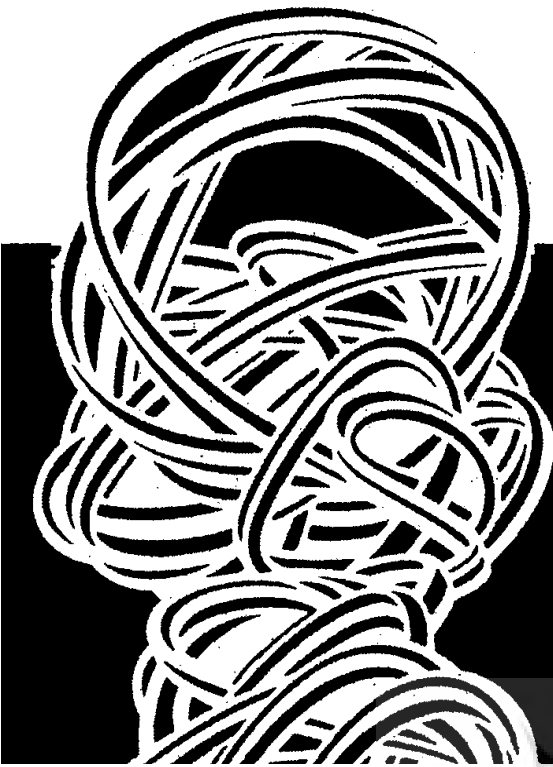
○ ناهید مهدوی اصل



مهارت‌های اجتماعی آشنا می‌شوند و در اثر استمرار، قدرت و توانایی آن‌ها افزایش می‌یابد. در این مرحله می‌توانند خود را کشف و با ایجاد ارتباط، تفاهم اجتماعی و همکاری و همفکری با دیگران را تجربه کنند. بازی راه را برای مراد و دوستی میان کودکان همسال می‌گشاید، همبازی‌ها را متحد می‌کند و بر رفتار کودک در زندگی روزانه‌اش تأثیر می‌گذارد. در عین حال، صفات و خصایلی که کودک در آمیزش روزانه‌اش با همسالان و بزرگسالان کسب می‌کند، در بازی تکامل می‌یابد. بازی عامل مهمی در پرورش عقلی کودک به شمار می‌رود. کودک آن چه را در خانه و اجتماع می‌آموزد، ضمن بازی، تکرار می‌کند و هنگام تکرار درباره آن می‌اندیشد و معنای بسیاری از این پدیده‌ها برایش آشکار می‌شود. بازی انعکاسی است از خواسته‌ها و آرزوهای کودک. با کمک بازی‌ها می‌توان حس احترام به پدر و مادر و بزرگ‌ترها و مهربانی نسبت به کوچک‌ترها را در کودک رشد داد. کودکان کارهای قهرمانی را دوست دارند و شخصیت‌های ساخته و پرداخته و مطلوب ذهن آن‌ها، بازی‌های نمایشی را شکل می‌دهد. بازی نمایشی، تقلیدی از رویدادهای زندگی انسان است. آیا آن‌ها فقط تکرار و تقلید است یا این که مشکل خاصی از رابطه انسان با جهان را بیان می‌کند؟ ما تاکنون در این باره کم‌تر اندیشیده‌ایم و مفاهیم ساخته و پرداخته‌ای هم در این زمینه نداریم. از این رو، نمی‌توانیم این

بیریم؟ یکی از راه‌ها این است که کودکان را تشویق کنیم تا آن چه را در بزرگسالی انجام خواهند داد، به صورت بازی انجام دهند: «کودکان بازی می‌کنند، ولی زندگی می‌کنند. آدم بزرگ‌ها زندگی می‌کنند، ولی بازی می‌کنند.» هم‌چنین از زبان روان‌شناس معروف، کارل گوستاو یانگ، در کتاب روح و زندگی، می‌خوانیم: «کودک پدر بشر است.» زمانی که این جملات را باور کنیم، می‌توانیم آینده انسان‌ها را بسازیم و کودک را با بازی که یکی از صور تجلی زندگی اجتماعی است، آشنا کنیم. از یکدیگر سؤال کنیم: «بازی چیست؟» بازی بهترین وسیله‌ای است که جسم را تقویت می‌کند، دستگاه‌های بدن را به فعالیت وا می‌دارد و سمومات بدن را خارج می‌کند. هم‌چنین، اشتها را زیاد می‌کند و کودک را از سستی و خمودگی رها می‌سازد و چابکی، سرعت، عکس‌العمل، استقامت و هماهنگی مناسبی بین اعصاب و عضلات پدید می‌آورد و سرانجام، به سلامت ذهن کمک می‌کند و موجب تخلیه درونی می‌شود؛ تخلیه انرژی‌های انباشته شده از مسائل گوناگون زندگی. بازی بهترین ابزار برای آموزش در کلاس درس است؛ زیرا آن چه را که معلم در کلاس نمی‌تواند به شاگردان بیاموزد، بازی خواهد آموخت. با بازی، کودکان و نوجوانان، خودشان را تربیت می‌کنند. در طی بازی، کودکان با

پیش از تعریف بازی نمایشی، بد نیست ابتدا تعریفی از ادبیات ارائه دهیم. ادبیات مجموعه‌ای از بازتاب‌های ذهنی آدمیان است در مقابل عوامل مختلف درونی و برونی که به صورت کلام همراه با تخیل و عاطفه تجلی پیدا می‌کند. یکی از جامع‌ترین توصیف‌ها درباره ادبیات، این است: «مجموعه تظاهرات هنری هر قوم که در قالب کلام ریخته شده است، ادبیات آن قوم به شمار می‌آید.» بنا به این تعریف، می‌توانیم بگوییم رفتار، آداب و رسوم و سنن هر قوم، طایفه و ملتی در ادبیات آن قوم، به وضوح مشاهده می‌شود. تفکر و ارتباط با هم‌نوعان، از ویژگی‌های انسان است. تعریف ادبیات کودکان و تعریف ادبیات به معنای اعم، تفاوتی ندارد. تفاوت در نیازها و امکانات کودکان با بزرگسالان است که موجب می‌شود از ادبیات کودکان، انتظار بیشتری وجود داشته باشد. زیرا کودکان محدودیت‌های خاصی به لحاظ تجربه، زبان، زمان و کم‌توانی جسمی و ذهنی دارند. بنابراین، ادبیات کودکان باید هم مناسب‌تر و هم سازنده‌تر باشد تا به این تفاوت‌ها و محدودیت‌ها پاسخ دهد. ادبیات با به کارگرفتن تخیل، نمود تازه‌ای به واقعیت و حقیقت می‌بخشد و حاصل نگاه نو به هر آن چه هست، به شمار می‌رود. راستی، چگونه می‌توان تصور را برانگیخت، دل را شاد کرد وارد دنیایی که این همه درگیرش هستیم، گریزگاهی جست تا آگاه شویم، ذهن را وسعت دهیم روح را غنا بخشیم و فرهنگ را پیش



نمایش در میان کودکان،
از ارزش والایی برخوردار است.
در اصل، نمایش خیلی شبیه به بازی است؛
به طوری که عقیده برخی بر این است که
اصل «نمایش» بازی است

بازیگران تظاهر می‌کنند که اشخاص دیگری هستند و یا در محل دیگری قرار دارند. میز مدرسه، اضطراب نمره و معلم و درس فراموش می‌شود و آن‌ها وارد دنیای خیال می‌شوند، دنیایی که در آن هر اتفاقی می‌افتد، مغز فعال می‌شود و حس تجسم فرم می‌گیرد و شخصیت‌های جدیدی خلق می‌شوند. نمایش در کشور ما ایران، سابقه چند هزار ساله دارد. بارها مرده و زنده شده است. بیابید توسط کودکان مان، زبان حرکت‌ها را که بالفعل وجود دارد، زنده و پویا کنیم. دل با عشق بزرگ می‌شود و زندگی، بازی دست و دل است.

منابع:

۱. کیانیان، داوود: تئاتر کودکان و نوجوانان، انتشارات تربیت - ۱۳۷۰
۲. نقش بازی در پرورش فکری کودک، ترجمه مهری باباجان، انتشارات دنیای نو - سال ۱۳۷۷
۳. ستاری، جلال: نماد و نمایش نامه در تئاتر، انتشارات توس - سال ۱۳۷۴
۴. علی‌پور، منوچهر: آشنایی با ادبیات کودکان، ناشر: انتشارات فردوس - سال ۱۳۷۸
۵. بازی‌های رایج کودکان شهر تهران، جزوه‌ای که هنوز کتاب نشده، مقاله‌ای پژوهشی که در صدا و سیما موجود است. مرکز تحقیق و پژوهش صدا و سیما
۶. آیین و اسطوره در تئاتر، انتشارات توس - ۱۳۷۴

بازی نمایشی را می‌توانیم به کاردستی تشبیه کنیم که گفت‌وگوی دایم، تبادل نظر، حرکت و شادی و نشاط موجب می‌شود موجود زنده رشد و زندگی کند؛ همانند گیاهی حساس به آب و هوا.

کودکان مانند گیاهان، نیاز به تنفس دارند. سیستم بدن آن‌ها برای رشد، نیازمند حرکت است و ویژگی قانون حرکت، برهم زدن تعادل است؛ ایجاد کشمکش، حادثه، جست‌وجو، کشف، رشد و دوباره ایجاد تعادل.

بنابراین، باید بدانیم که در دنیای ادبیات نوین کودکان، بازی، نمایش و بازی‌های نمایشی، در آموزش و تعلیم و تربیت آنان نقش فراوانی دارد. کودکان فی‌البداهه می‌توانند خود نمایش را بازی کنند. قطار بازی، سرخ‌پوست بازی، دزد بازی، ماشین بازی، پلیس بازی را طراحی می‌کنند. کافی است یک صندلی را واژگون کنند و سوارش شوند و یا در دیگی را به جای فرمان به کار ببرند و تظاهر کنند که سوار اتومبیل هستند.

به این ترتیب، با ترمز کردن، پیچیدن و بوق زدن، نمایشی از واقعیت می‌سازند و با چوب بلند یا دسته جارو، «پیتیکو، پیتیکو» می‌کنند و دشت‌ها و صحراها را درمی‌نوردند. آن‌ها به علت این که می‌دانند نمی‌توانند از یک اتومبیل و یا اسب واقعی استفاده کنند، از تخیل‌شان کمک می‌گیرند. کودکان با تخیل‌شان، واقعیت را جابه‌جا می‌کنند و به این طریق، تخیل کودکان تحریک می‌شود.

نوع رابطه میان انسان و جهان را به روشنی مشخص کنیم. بازی نمایشی متعلق به زندگی حال است و گذشته و آینده را در بر نمی‌گیرد. با این همه، عملی است که در اصل و ریشه، جنبه اجتماعی دارد؛ زیرا با آن که فایده و اثر آن فردی است، ولی دست یافتن به این فایده و اثر، جز با کوشش و عملی دسته جمعی میسر نیست.

نمایش در میان کودکان، از ارزش والایی برخوردار است. در اصل، نمایش خیلی شبیه به بازی است؛ به طوری که عقیده برخی بر این است که اصل «نمایش» بازی است. نمایشگران، نقش‌ها را بازی می‌کنند و به همین جهت، به آنها بازیگر گفته می‌شود. فردی که دقت و هوش و زیرکی بیشتری دارد و آگاه‌تر است، بازی‌ها را رهبری می‌کند. و سایر عوامل و عناصر، در به نمایش آمدن این بازی کمک می‌کنند.

به هر صورت، هر نمایشی می‌تواند بازی باشد، ولی هر «بازی» ای «نمایش» نیست. بازی‌های نمایشی، ترکیبی است از «بازی» و «نمایش». نه تنها بازی است و نه نمایش مطلق، بلکه ترکیبی است از این دو که در درجه نخست، بازی است و درجه بعد نمایش.

در نمایش جایی که حرکت: کلام و صدا در یک اشاره واحد به هم درآمیخته می‌شوند و به حد گداختگی می‌رسند، حال و هوای زنده و قابل لمس ایجاد می‌شود. بازی نمایشی، تماشاگر را فعال و شریک در نمایش می‌سازد.